

بررسی و تحلیل حکومت جهانی مهدوی در عصر رجعت

علی ربانی گلپایگانی^۱

چکیده

بر اساس ادله عقلی و نقلی، زمین هیچ‌گاه از حجت معصوم الهی خالی نخواهد بود. حجت‌های معصوم خداوند پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امامان دوازده‌گانه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام هستند که اولین آنان حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام و آخرینشان حضرت مهدی عَجَلُ اللهُ إِلَيْهِ است. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی، به این سوال پاسخ می‌دهد که چه کسانی در عصر رجعت تا قیامت حاکمان روی زمین هستند. آن حضرت پس از ظهور، حکومت عدل جهانی مهدوی را تشکیل خواهد داد و پس از آن حضرت، امامان دیگر رجعت می‌کنند و به ترتیب جامعه بشری و حکومت جهانی مهدوی را تا قیامت رهبری خواهند کرد. از سوی دیگر، در شماری از روایات از زمامداران مهدوی سخن به میان آمده است که در عصر رجعت زمام امور حکومت مهدوی را در دست خواهند داشت. در مورد این دو دسته روایات، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است. دیدگاه برگزیده این است که امامت و رهبری زمامداران مزبور «نیابی» است؛ اما امامت امامان معصوم در عصر رجعت «اصالی» است.

واژگان کلیدی: امامت نیابی، حکومت مهدوی، عصر رجعت، امامت اصالی، زمامداران مهدوی.

مقدمه

بر اساس روایات متواتر و معتبر اسلامی، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام خواهد کرد و حکومت جهانی و عدالت محور مهدوی را براساس معارف و موازین اسلام تشکیل خواهد داد. در این مورد که زمان برقراری این حکومت چقدر است؛ روایات مختلف است؛ ولی آنچه مسلم است این که حکومت مهدوی، آخرین و یگانه حکومتی است که بر گستره زمین فرمانروایی خواهد داشت و با پایان یافتن آن، عمر دنیا نیز پایان خواهد یافت و آخرت و قیامت برپا خواهد شد.

از آن جا که بر اساس روایات، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا خواهد رفت، و همه یا برخی از دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام رجعت خواهند داشت، حکومت جهانی مهدوی دو مرحله دارد: یکی در عصر ظهور و دیگر در عصر رجعت. درباره «رجعت» از دیر زمان بحث‌های گسترده‌ای مطرح شده است؛ چنان که مباحث مطرح شده درباره حکومت مهدوی در عصر ظهور نیز گسترده و متنوع است؛ ولی حکومت مهدوی در عصر رجعت، کم‌تر مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است. نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی، این مسئله را بررسی و تحقیق کرده است.

۱. استمرار امامت امامان اهل بیت علیهم السلام تا قیامت

در روایات متعددی بیان شده است که امامت امامان اهل بیت علیهم السلام تا قیامت استمرار دارد^۱ و آنان همان حجت‌های الهی‌اند که هیچ‌گاه زمین و زمان از وجود یکی از آنان خالی نخواهد بود. در ادامه نمونه‌هایی از این روایات را ملاحظه می‌فرمایید:

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام به ابن عباس فرمود:

«شب قدر در هر سال واقع می‌شود و در آن شب امور مربوط به آن سال، نازل می‌گردد، و

۱. همان‌طور که مشخص است در این قسمت از مقاله سخن از استمرار امامت تا قیامت می‌باشد و این بحث غیر از اثبات حجت زنده در هر عصر است که منتج به وجود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت می‌باشد. این‌جا سخن از پس از ظهور است و در آن مبحث سخن از وجود دوازدهمین خلیفه الهی رسول الله صلی الله علیه و آله می‌باشد. لذا استمرار امامت تا قیامت با استمرار امامت با وجود دوازدهمین خلیفه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدون فاصله زمانی پس از امام حسن عسکری علیه السلام و در عصر غیبت تفاوت دارد.

برای این امر پس از رسول خدا ﷺ پیشوایانی هستند». ابن عباس پرسید: آنان چه کسانی اند؟ امیرالمؤمنین علیؑ پاسخ داد: «من و یازده امام از صلب من که همگی امامان محدث می باشند؛ أنا و أحد عشر من صلبی، أئمة محدثون» (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۴۴۷ و ۴۴۸؛ شیخ طوسی، ۱۴۲۹: ص ۱۰۳ و صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۵۵-۵۶).

طبق روایات و اطلاق قرآنی شب قدر تا پایان جهان در هر سال وجود دارد.

۲. در روایتی از امام باقر علیؑ آمده است که پیامبر اکرم ﷺ خطاب به امام علی علیؑ فرمود: من و تو و یازده نفر از فرزندان من، پایه های استواری و برقراری زمین می باشیم. خداوند به واسطه ما زمین را از این که اهلش را فرو ببرد، حفظ کرده است. هرگاه [همه] امامان دوازده گانه از دنیا بروند، زمین اهلش را فرو خواهد برد (شیخ طوسی، ۱۴۲۹: ص ۱۰۲).

گفتنی است که در نقل محدث کلینی، به جای «أحد عشر من ولدی» (یازده فرزندانم) «اثنی عشر من ولدی» (دوازده فرزندانم) آمده است که شاید مقصود حضرت زهرا و امامان یازده گانه است (کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۴۴۸) و محتمل است که مراد همان امامان دوازده گانه اند، و این که امام علی علیؑ نیز در زمره فرزندان رسول خدا قلمداد شده است؛ از باب غلبه است؛ یا این که مراد فرزند معنوی است؛ چرا که علی علیؑ از کودکی تحت سرپرستی و تربیت رسول خدا قرار داشت.

۳. رسول خدا ﷺ فرمود:

علی بن ابی طالب علیؑ، وصی و وارث من است. او پیشوای پرهیزکاران است و پس از او دو فرزندش امام می باشند، سپس تا روز قیامت، نه هادی و مهدی از نسل فرزندانم، حسین علیؑ خواهند بود (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۲۹).

۴. امیرالمؤمنین علیؑ در حدیثی طولانی که در آن فضایل و مناقب خود را بیان کرده است؛ پس از اشاره به ماجرای درخواست پیامبر ﷺ از اصحاب که کاغذ و قلم بیاورند تا چیزی را در آن بنویسد که مانع گمراهی امت پس از او شود؛ و مخالفت برخی از اصحاب با درخواست ایشان؛ فرموده است:

پیامبر ﷺ پس از متفرق شدن افراد، صحیفه ای خواست و مطلب مورد نظرش را املا کرد و سلمان، ابوذر و مقداد را بر آن گواه گرفت. در آن نامه، امامان امت پس از خود تا روز قیامت را معرفی کرد، که عبارتند از: من، سپس فرزندانم حسن، آن گاه فرزندانم حسین،



سپس نه امام از نسل فرزندم حسین علیه السلام.

سلمان و ابوذر که در آن جلسه حاضر بودند، بر سخن امیرالمؤمنین گواهی دادند، طلحه نیز گفت: من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که ابوذر را راستگوترین افراد معرفی کرد و لذا من بر صدق سخن او و سلمان گواهی می‌دهم و تو نزد من از آن دو صادق‌تر و نیکوکارتر می‌باشی (نعمانی، بی‌تا: ص ۸۱-۸۲).

۵. شیخ صدوق، با سند معتبر از سلیم بن قیس هلالی چنین روایت کرده است: در زمان خلافت عثمان، جمعی از مهاجران و انصار در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله گرد آمده بودند و از فضایل و مناقب خود می‌گفتند. علی علیه السلام نیز در آن جلسه حضور داشت، اما چیزی نمی‌گفت. از آن حضرت خواستند که او نیز در آن موضوع سخن بگوید. امیرالمؤمنین علیه السلام به بیان فضایل اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله پرداخت تا این که رشته بحث به امامت رسید و این که رسول خدا صلی الله علیه و آله اوصیای خود تا روز قیامت را معرفی کرد و فرمود:

علی، برادر، وزیر، وارث، وصی و جانشین من در امتم و ولی هر مؤمنی پس از من می‌باشد. پس از او فرزندم حسن، سپس فرزندم حسین، آن گاه نه فرزند از نسل فرزندم حسین، یکی پس از دیگری امام خواهند بود؛ آنان با قرآن‌اند، و قرآن با آنان است؛ از قرآن جدا نمی‌شوند، و قرآن نیز از آنان جدا نمی‌شود تا این که در کنار حوض نزد من بیابند (صدوق، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۲۷۴-۲۷۷).

۶. شیخ صدوق، با سند معتبر روایت کرده که از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره مراد از عترت در حدیث ثقلین سؤال شد. آن حضرت فرمود:

من، حسن، حسین و امامان نه گانه از نسل حسین علیه السلام می‌باشیم که نه‌مین آنان، مهدی و قائم امت است. آنان [عترت] از کتاب خدا جدا نمی‌شوند، و کتاب خدا نیز از آنان جدا نمی‌شود تا در کنار حوض رسول خدا، بر آن حضرت وارد شوند (همان، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ صدوق، بی‌تا: ج ۱، ص ۵۷؛ صدوق، ۱۳۷۹: ص ۹۰ و صافی گلپایگانی، ۱۴۲۸: ج ۱، ص ۱۶۲-۱۶۳).

۷. از امام حسن مجتبی علیه السلام چنین روایت شده است:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه‌ای ایراد کرد و پس از حمد و ثنای خداوند فرمود: ای مردم! گویا من به سرای آخرت دعوت شده و آن را اجابت کرده‌ام. در میان شما دو شیء



گرانها؛ یعنی کتاب خدا و عترت و اهل بیت را باقی می‌گذارم. تا وقتی که به آن دو تمسک کنید، هرگز گمراه نخواهید شد. پس، از آنان بیاموزید و به آنان نیاموزید؛ زیرا آنان از شما داناتر هستند. زمین از آنان خالی نخواهد بود؛ اگر زمین از آنان خالی باشد، اهلش را فرو خواهد برد. من پرسیدم: آیا شما حجت خدا بر همه خلق نیستید؟ فرمود: خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾ (رعد: ۷). من مندر هستم و علی هادی است. گفتم: ای رسول خدا! فرمودید زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی‌باشد. پیامبر ﷺ فرمود: آری، پس از من، علی امام و حجت است، و پس از او، تو امام و حجت هستی و پس از تو، حسین امام و حجت است. آن گاه امامان نه گانه از نسل حسین را یکی پس از دیگری معرفی کرد تا به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف رسید و فرمود: او غیبتی طولانی خواهد داشت و اگر از عمر دنیا بیش از یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را به قدری طولانی خواهد کرد که قائم ما خروج [ظهور] کند و زمین را که ظلم و جور فرا گرفته است، آکنده از قسط و عدل کند. سپس فرمود: پس زمین از شما خالی نخواهد بود؛ فلا یخلو الارض منکم (خزاز قمی، ۱۴۰۱: ص ۱۵۵ و مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۳۶، ص ۳۳۶).

این مطلب در روایات دیگر نیز بیان شده است که این پژوهش گنجایش نقل آن‌ها را ندارد و نمونه‌هایی که نقل شد، برای اثبات مطلب کافی است (مفید، ۱۴۱۳: ص ۳۵).^۱ نتیجه آن که بر اساس روایات مذکور، زمین هیچ گاه تا قیامت از حجت خدا خالی نخواهد بود و مقصود از حجت‌های خدا پس از رسول خدا ﷺ، امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم السلام می‌باشند که نخستین آنان امیرالمؤمنین علیه السلام و آخرین آنان حجت بن الحسن العسکری عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌باشد. همچنین از عدل قرآن قرار گرفتن اهل بیت علیهم السلام و حضور هر دو با هم در کنار حوض کوثر بر پیامبر خدا ﷺ گویای وجود خلیفه خدا تا آخرین روز این دنیا است.

۱. شیخ مفید در این زمینه گفته است: «در خبر نبوی آمده است که خداوند مرا به عنوان نبی برگزید و علی را وصی من قرار داد و حسن و حسین و نه فرزند او را تا قیامت به عنوان اوصیا برگزید.» این کتاب در مجموعه مصنفات الشیخ المفید، ج ۷ چاپ شده است.

۲. رجعت امامان اهل بیت علیهم السلام

روایات بسیاری گویای رجعت امامان اهل بیت علیهم السلام در زمان ظهور است. این روایات دو دسته‌اند: دسته‌ای از آن‌ها گویای رجعت ائمه علیهم السلام به صورت مطلق یا عام است، و دسته دیگر به رجعت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهم السلام مربوط می‌باشند. آنچه اکنون مقصود است، نقل نمونه‌هایی از روایات و ادله رجعت عموم امامان علیهم السلام است که دوران پس از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را شامل می‌شود.

۱. روایاتی با این مضامین که رجعت مخصوص کسانی است که از ایمان خالص برخوردار باشند: «من محض الایمان محضا» (مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۵۳، ص ۵۳ و حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۲۵۵ و ۲۸۴). این روایات به طریق اولویت بر رجعت امامان اهل بیت علیهم السلام دلالت می‌کنند (حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۳۴۴).^۱

۲. علی بن ابراهیم، در حدیثی مسند از امام باقر علیه السلام نقل کرده که درباره جابر بن عبدالله انصاری فرمود: خداوند جابر را رحمت کند که دانش و فهمش تا حدی بود که تأویل آیه ﴿إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ﴾ (قصص: ۸۵). را که رجعت است، می‌دانست. و در روایتی دیگر از امام سجاد علیه السلام آمده است که آیه مزبور به رجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، امیرالمؤمنین و دیگر ائمه علیهم السلام مربوط است (قمی، ۱۴۲۸: ص ۵۰۵).

۳. وی در حدیث مسند دیگری آورده است که امام صادق علیه السلام درباره آیه ﴿إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا﴾ (غافر: ۵۱)؛ فرمود:

وعدۀ الاهی در رجعت تحقق خواهد یافت؛ زیرا در دنیا پیامبران الاهی [به طور کامل] از نصرت الاهی بهره‌مند نشدند، بلکه به قتل رسیدند، امامان نیز پس از آنان [از نصرت کامل خداوند بهره‌مند نشدن و] به قتل رسیدند، بنابراین، وعدۀ مزبور [به صورت کامل] در رجعت واقع خواهد شد (قمی، ۱۴۲۸: ص ۶۰۰ و حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۱۱۲).

حسن بن سلیمان خالد نیز در کتاب «مختصر بصائر الدرجات» مطلب مذکور را روایت کرده است (حلی، ۱۴۲۱: ص ۹۱).

۱. «مثل هذا كثير جدا، ولا يخفى ان هذا دال على رجعتهم علیهم السلام بطريق الاولوية».

۴. شیخ طوسی با سند صحیح از امام باقر علیه السلام چنین روایت کرده است: امر ما در کتاب خداوند، همانند صاحب حمار [=عزیر نبی] است که خداوند او را یک صد سال میراند؛ پس زنده‌اش کرد (طوسی، ۱۴۲۹: ص ۲۸۵).^۱ ظاهر کلمه «امرنا» رجعت همه ائمه علیهم السلام است.

۵. به فرموده امام صادق علیه السلام کسی که رجعت امامان اهل بیت علیهم السلام را منکر شود، در زمره برخورداران از ولایت اهل بیت علیهم السلام نخواهد بود: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۲۹۱). مفاد ظاهر این روایت، رجعت همه امامان علیهم السلام است.

۶. در عبارت‌هایی از زیارت جامعه کبیره که شیخ صدوق و شیخ الطائفه با سندهای صحیح آن را نقل کرده‌اند؛ چنین آمده است:

«معترف بکم، مؤمن بایابکم، مصدق برجعتکم، منتظر لأمرکم، مرتقب لدولتکم؛ به مقام بلند شما اعتراف دارم و به بازگشت شما [به این دنیا= رجعت] مؤمنم، و تصدیق کننده رجعت شما هستم؛ منتظر امر و دولت شما می‌باشم» و در ادامه عبارت مزبور آمده است: «آماده یاری دادن به شما هستم تا خداوند دینش را به واسطه شما زنده کند، و شما را در روزهای خود بازگرداند، و به خاطر عدالتش از شما پشتیبانی کند و در زمین به شما مکن و قدرت عطا کند... و خداوند مرا از کسانی قرار دهد که در رجعت شما باز خواهند گشت» (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۷۰؛ صدوق، بی تا: ج ۲، ص ۲۷۵-۲۷۶ و طوسی، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۹۸-۹۹).

۷. در زیارت وداع چنین آمده است:

حشرنی الله فی زمرتکم، و اوردنی حوضکم و جعلنی من حزبکم و أرضاکم عتی و مگنی فی دولتکم، و احيانی فی رجعتکم و مگنی فی آیامکم؛ خداوند مرا در زمره شما محصور و وارد حوض شما کند و از حزب شما قرارم دهد و شما را از من راضی سازد و در دولت شما مرا توانمند و در رجعت شما زنده‌ام کند و در روزگار [توانمندی و فرمانروایی] شما مرا برخوردار سازد (صدوق، ۱۳۹۰: ج ۲، ص ۳۷۵؛ صدوق، بی تا: ج ۲، ص ۲۷۸ و طوسی، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۱۰۱).

۸. در زیارت‌های مختلف، مانند زیارت امام حسین علیه السلام در روز عرفه و زیارت اربعین آمده است:

۱. «مثل أمرنا فی کتاب الله مثل صاحب الحمار أماته الله مائة عام ثم بعثه» (فصل فیما ذکر فی بیان (مقدار) عمره علیه السلام).

«اَنتی بکم مؤمن و بایابکم موقن؛ من به شما ایمان و به بازگشت شما به دنیا یقین دارم» (طوسی، بی تا: ص ۶۶۴ و ۷۳۰-۷۳۱؛ طوسی، ۱۴۱۷: ج ۶، ص ۱۱۳).

۹. در زیارت امام حسین علیه السلام در سوم شعبان، آمده است:

اللهم انی أسألك بحق المولود فی هذا الیوم... الفوز معه فی أوبته و الاوصیاء من عترته بعد قائمهم؛ خدایا! تو را به حق مولود در این روز سوگند می‌دهم که مرا در بازگشت او به دنیا و بازگشت اوصیا از عترت او پس از قائم آنان، رستگار کنی (طوسی، بی تا: ص ۷۵۸-۷۵۹).

در این زیارت به رجعت امامان از نسل امام حسین علیه السلام، افزون بر رجعت آن حضرت، تصریح شده است.

۱۰. در کامل الزیارات در مورد زیارت قبر امام حسین علیه السلام آمده است:

... حتی یحییکم الله لدینته و یبعثکم، فعکم لا مع عدوکم، انی من المؤمنین برجعتمک؛ تا این که خداوند شما را برای [اجرای کامل] دینش، زنده نماید و برانگیزد. پس من با شما هستم، نه با دشمنان شما؛ من از مؤمنان به رجعت شما می‌باشم (ابن قولویه، ۱۳۵۶: ص ۲۳۲).

در زیارتی دیگر آمده است: «انی بایابکم من المؤمنین؛ من از مؤمنان به بازگشت شما به دنیا هستم (همان، ص ۲۳۶). با این که زیارت به امام حسین علیه السلام مربوط است؛ ضماین در «یحییکم» و «یبعثکم» و «رجعتکم» جمع آمده که بر رجعت عموم ائمه علیهم السلام دلالت می‌کند.

۱۱. در زیارت آل یاسین، آمده است: «و انّ رجعتکم حق لا ریب فیها؛ رجعت شما حق است و تردیدی در آن وجود ندارد» (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۴۹۴ و مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۱۰۲، ص ۸۲).

۱۲. شیخ طوسی، در مورد اعمال روز جمعه، زیارتی را برای کسانی که بخواهند از راه دور قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را زیارت کنند؛ نقل کرده است. در آن زیارت آمده است: «اَنتی من القائلین بفضلکم، مقّر برجعتمکم؛ من به فضل [ویژه] شما قائل هستم و به رجعت شما اقرار دارم» (طوسی، بی تا: ص ۲۵۳).

۱۳. در زیارتی که به مشاهد مشرفه معصومان علیهم السلام و مخصوص ماه رجب مربوط است، آمده است:

و السلام علیکم و رحمة الله و بركاته، حتی العود فی حضرتکم، و الفوز فی کرتکم، و الحشر فی

زمرتکم؛ درود، رحمت و برکات خدا بر شما باد، تا هنگام بازگشت به محضر شما و رستگاری در بازگشت شما به دنیا و حشر در زمره شما در آخرت (همان، ص ۷۵۵).

مفاد ظاهر روایت‌ها و زیارت‌های مزبور، و مدلول صریح برخی از آن‌ها، رجعت همه امامان اهل بیت علیهم‌السلام است. روشن است که ذکر موارد خاص، مانند رجعت امیرالمؤمنین و امام حسین علیهما السلام با مطلب یاد شده منافات ندارد.

نادرستی یک دیدگاه

گفته شده است، بر این مطلب که همه امامان اهل بیت علیهم‌السلام دارای رجعت می‌باشند، دلیلی وجود ندارد؛ جز اطلاقاتی که غیر ائمه را هم شامل می‌شود؛ مانند این که آنان مصادیق «من محض الایمان محضا» (مؤمنان خالص) می‌باشند (صدر، بی تا: ج ۳، ص ۵۳۰).

از مطالبی که نقل شد، نادرستی این سخن روشن است؛ زیرا اگر مقصود این است که رجعت همه ائمه علیهم‌السلام با ذکر نام هریک از آنان، بیان نشده است؛ اثبات رجعت همه امامان معصوم، به آن منوط نیست. آری، دلالت فرض مزبور بر مدعا قوی‌تر است؛ ولی آنچه در اثبات مدعا لازم است، تمام بودن دلیل است، نه اقوا بودن آن و اگر مقصود این است که بر رجعت همه ائمه علیهم‌السلام بدون ذکر نام همگی، دلیلی وجود ندارد؛ نادرستی آن آشکار است؛ زیرا با اندکی دقت در روایات و زیاراتی که بازگو کردیم، به دست می‌آید که رجعت همه ائمه علیهم‌السلام مقصود است. به عنوان نمونه در زیارت جامعه کبیره آمده است: «معترف بکم، مصدق برجعتکم». شکی نیست که عبارت «معترف بکم»، بر ایمان و اعتراف به یکایک ائمه علیهم‌السلام دلالت می‌کند و مقتضای وحدت سیاق، دلالت جمله «مصدق برجعتکم» بر رجعت یکایک امامان علیهم‌السلام است. همین گونه است عبارت «اَنّی بکم مؤمن و بیابکم موقن»؛ زیرا مقصود ایمان و ایقان به یکایک ائمه علیهم‌السلام است. عبارت «الفوز معه فی أوبته و الأوصیاء من عترته بعد قائمهم» نیز به روشنی بر رجعت امام حسین علیه السلام و امامان از نسل او، پس از ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت می‌کند.^۱ مضافا این که بدون در نظر گرفتن

۱. بر اساس روایات، رجعت امام حسین علیه السلام در زمان ظهور و قیام ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود؛ هرچند پس از آن حضرت نیز زندگی خواهند داشت (مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۵۳، ص ۱۰۳ و حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۳۵). بنابراین کلمه «بعد

شواهد مزبور نیز مدلول ظاهری عبارتهای «رجعتکم»، «کرتکم» و «أوبتکم» رجعت همه ائمه علیهم السلام است و خلاف آن، به دلیل نیازمند است و این که در روایاتی، رجعت امیرالمؤمنین یا امام حسین علیه السلام به طور خاص ذکر شده است؛ بر اختصاص دلالت ندارد؛ بلکه گویای ویژگی خاص آن دو امام بزرگوار می باشد.

۳. حاکمان مهدوی پس از امام عصر علیه السلام

در برخی روایات و ادعیه و زیارات بیان شده است که پس از امام عصر علیه السلام تعدادی از والیان و حاکمان از نسل آن حضرت، بر جامعه جهانی امامت و رهبری خواهند داشت.

۱. در روایتی از ابوبصیر آمده است که به امام صادق علیه السلام گفتم: از پدرتان شنیدم که فرمود: پس از قائم علیه السلام دوازده مهدی خواهد بود. امام علیه السلام فرمود: پدرم فرموده است دوازده مهدی، نه دوازده امام. آنان قومی از شیعیان هستند که مردم را به ولایت و معرفت حق ما دعوت می کنند (صدوق، ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۵۸؛ مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۵۳، ص ۱۴۵).

۲. از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است: پس از قائم علیه السلام دوازده مهدی از نسل امام حسین علیه السلام خواهند بود (مجلسی، همان: ص ۱۴۸؛ حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۳۹۵).

۳. در روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب وفات خود فرمود: کاغذ و قلم آماده کن و سپس وصیت خود را املا کرد. در عبارتی از آن وصیت آمده است: «پس از من دوازده امام، و پس از آنان، دوازده مهدی خواهند بود. تو اولین امام هستی. هنگامی که وفات تو فرارسید، امامت را به فرزندم حسن بسپار، و هنگامی که وفات او فرا رسید، آن را به فرزندم حسین بسپار و به همین ترتیب نام امامان دوازدهگانه تا حضرت مهدی علیه السلام ذکر شده است. سپس آمده است. «هرگاه زمان وفات آخرین امام (حضرت مهدی) فرارسید، آن را به فرزندش که سه نام دارد، یعنی عبدالله، احمد و مهدی، بسپارد» (شیخ طوسی، بی تا: ص ۱۰۷-).



→

قائمهم» در عبارت مذکور، به اوصیای از عترت آن حضرت مربوط است؛ چنان که می تواند از باب تغلیب، به امام حسین علیه السلام نیز ناظر باشد.

۱۰۸؛ مجلسی، همان).

۴. از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است: از ما پس از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، یازده مهدی از فرزندان حسین علیه السلام خواهند بود (طوسی، همان؛ ص ۳۰۹؛ مجلسی، همان؛ ص ۱۴۵).

۵. در دعایی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در توقیع آن حضرت به ابی الحسن ضراب اصفهانی وارد شده؛ چنین آمده است: «و صلّ علی ولیک و ولایة امرک و الأئمة من ولده و مدّ فی اعمارهم؛ بر ولایت و والیان امر و امامان از فرزندان او درود بفرست و عمرشان را طولانی کن!» (طوسی، بی تا؛ ص ۴۰۶-۴۱۱ و حرعاملی، ۱۳۸۶؛ ص ۳۹۵).

۶. از امام رضا علیه السلام در دعایی که برای صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کرده، آمده است:
اللهم و صلّ علی ولایة عهده و الائمة من بعده و زد فی آجالهم و بلّغهم آمالهم؛ خدایا! بر والیان عهد و امامان پس از او درود بفرست، و عمرشان را طولانی کن و آنان را به آرزوهایشان برسان (طوسی، بی تا؛ ص ۴۰۹ و حرعاملی، ۱۳۸۶؛ ص ۳۹۵).

بررسی و نقد دیدگاه‌های هفتگانه

درباره روایات مزبور، صرف نظر از مناقشات سندی، دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است:

الف) دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آخرین دولت

شیخ مفید، در این زمینه گفته است:

پس از دولت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برای هیچ کس دولتی نخواهد بود، مگر آنچه در برخی روایات آمده است که اگر خدا بخواهد، فرزندان او، قیام خواهند کرد؛ ولی این مطلب به صورت قطعی ثابت نیست و اکثر روایات گویای آن هستند که مهدی این امت از دنیا نخواهد رفت، مگر چهل روز قبل از قیامت که دوره هرج [رفع تکلیف] و نشانه زنده شدن مردگان و برپایی قیامت برای حساب و جزا می‌باشد، و خداوند به آنچه واقع خواهد شد، داناتر و او ولی توفیق و صواب است (مفید، ۱۴۱۳؛ ج ۲، ص ۳۸۷).

امین الاسلام طبرسی نیز کلام شیخ مفید را بازگو کرده (طبرسی، ۱۴۱۷؛ ج ۲، ص ۲۹۵) و زین الدین بیاضی نباتی نیز به اختصار آن را باز گفته است (نباطی بیاضی، ۱۳۸۴؛ ج ۲، ص ۲۵۴).

نتیجه این که دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین دولت است و این نکته با این مطلب که



عده‌ای از فرزندان او پس از آن حضرت، حکومت و زمامداری داشته باشند؛ منافات ندارد؛ زیرا می‌توان گفت مقصود از این که دولت مهدی آخرین دولت است، این است که نظام حکومتی جدیدی تشکیل نخواهد شد؛ هرچند حاکمان و زمامدارانی دیگر وجود داشته باشند؛ یعنی مبنا و منشور حکومت و دولت، همان مبنا و منشور حکومت، دولت مهدوی است (صدر، بی‌تا: ج ۳، ص ۵۳۶). علاوه بر این، دیدگاه مزبور با روایات رجعت سازگاری ندارد، مگر آن که به رجعت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر رجعت سایر ائمه علیهم السلام قائل شویم که در آن صورت، دولت آن حضرت، آخرین دولت خواهد بود؛ ولی این فرض، با حکومت‌ها و دولت‌های علوی و مهدوی دیگری پس از نخستین دولت مهدوی که توسط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور و قیام آن حضرت تشکیل می‌شود؛ منافات ندارد.

ب) پذیرش بدون توجیه

از سید مرتضی راهکار حل تعارض ذیل خواسته شد: براساس این که وجود امام در هر زمانی واجب است و این که پس از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تکلیف باقی است؛ اگر بگوییم پس از آن حضرت، امام وجود ندارد، برخلاف اصل اول (ضرورت وجود امام) است، و اگر بگوییم امام یا امامانی وجود دارند؛ با اعتقاد به این که امامان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوازده نفر می‌باشند؛ مخالف است.

ایشان در پاسخ گفته است:

دلیل قطعی بر این نکته که پس از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تکلیف برداشته می‌شود، وجود ندارد. بنابراین، جایز است که پس از آن حضرت، زمانی طولانی برقرار بوده و نظام تکلیف استوار باشد، و جایز نیست که زمانی از وجود امام خالی باشد. بنابراین، جایز است که امامانی وجود داشته باشند و به حفظ دین و مصالح دینداران قیام کنند. این فرض با اعتقاد ما به امامان دوازده‌گانه منافات ندارد؛ زیرا آنچه ما به آن معتقدیم، امامت امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم السلام پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ خواه پس از

۱. «ان یكون المراد بموت المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف الذي لا تتأخر القيامة عنه الا اربعين يوما، الموت الثاني بعد رجعت عجل الله تعالی فرجه الشریف»

(حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۴۰۱).

آنان، امامان دیگری وجود داشته باشند، یا نه (سیدمرتضی، بی تا: ج ۳، ص ۱۴۵-۱۴۶).
در نتیجه این دیدگاه صحیح نیست؛ زیرا روایات مربوط به امامت امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم‌السلام گویای دو مطلب‌اند: یکی این که آنان جانشینان رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و پیشوایان امت اسلامی پس از آن حضرت می‌باشند، و دیگر این که امامت آن‌ها تا قیامت استمرار دارد.

ج) رد مطلق

روایات مربوط به مهدی‌های دوازده‌گانه پس از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف به دلیل این که اولاً، اندک‌اند (متواتر نیستند) و ثانیاً، با روایات متواتر دال بر این که امامان و جانشینان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دوازده نفرند و امامت و دولت آنان تا قیامت ادامه خواهد داشت؛ منافات دارند؛ مفید قطع و یقین نیستند. اگر بر ما واجب بود که به امامت دوازده امام پس از امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم‌السلام اقرار کنیم، می‌بایست نصوص متواتری وجود داشته باشند تا درباره وجه جمع میان آن‌ها و روایات مربوط به امامت امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم‌السلام چاره‌اندیشی کنیم (حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۴۰۱).

لذا مجال بحث و نقد سندی در مورد روایات یاد شده وجود دارد و سند آن‌ها خالی از اشکال نیست. از طرفی، معارض بودن آن‌ها با روایات متواتر و معتبر مربوط به امامت امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم‌السلام پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا پایان دنیا، در صورتی که وجه صحیحی برای آن‌ها وجود نداشته باشد، برای رد آن‌ها کافی است؛ ولی از آن‌جا که نادرستی دلیل، مستلزم نادرستی مدعا نیست؛ بهتر آن است که صرف نظر از درستی یا نادرستی دلیل، آن‌ها را بررسی کنیم؛ چنان که علامه مجلسی، پس از نقل آن‌ها، بدون مناقشه سندی و رد مطلق، به توجیه آن‌ها پرداخته است.

د) رجعت پیامبر و یازده امام

نخستین وجهی که علامه مجلسی، در توجیه روایات مزبور گفته است، این که مقصود از مهدی‌های دوازده‌گانه پس از ولی عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان اهل بیت علیهم‌السلام غیر از امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف می‌باشند؛ چنان که حسن بن سلیمان (صاحب کتاب مختصر بصائر الدرجات) آنان را به امامان دوازده‌گانه (امیرالمؤمنین و یازده امام دیگر از نسل او) تأویل کرده و به رجعت



قائم عَلَيْهِ السَّلَام پس از وفاتش قائل شده است (مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۵۳، ص ۱۴۸).

بنابراین، بر این توجیه دو اشکال وارد است: اشکال اول این که در یکی از روایات تصریح شده است که آنان امام نیستند، بلکه قومی از شیعه می‌باشند که مردم را به ولایت ائمه و معرفت حق آنان دعوت می‌کنند؛ و اشکال دوم این که در دو روایت تصریح شده است که آنان فرزندان امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشند؛ چنان که در دو دعایی که نقل شد، آنان به عنوان فرزندان امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام معرفی شده‌اند. بنابراین، بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین و سایر ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام منطبق نیستند.

ه) والیان و نایبان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

در برخی روایات، تصریح شده است که حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دارای فرزند نیست؛ چنان که شیخ طوسی در حدیثی مسند از حسن بن علی خزاز آورده است که علی بن ابی حمزه بر امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام وارد شد و گفت: از جد شما، جعفر بن محمد شنیدم که می‌گفت: هر امامی دارای عقب (فرزند) است. امام فرمود: «آنچه حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود، این بوده که هیچ امامی نیست، مگر این که دارای عقب [=فرزند] است، غیر از امامی که حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام در زمان او خروج [=رجعت] می‌کند؛ زیرا او دارای عقب [=فرزند] نمی‌باشد.» علی بن ابی حمزه سخن امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام را تصدیق کرد (طوسی: ۱۴۲۹: ص ۱۵۰).

براین اساس، مقصود از مهدی‌های دوازده‌گانه «بعد» از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام، «بعد زمانی» نیست؛ بلکه «بعد رتبی» است، مانند «بعد» در آیه *﴿فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ﴾* (جاثیه: ۲۳). بنابراین، آنان نواب و والیان امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام در دوران پس از ظهور می‌باشند و هر یک در منطقه‌ای امامت و ولایت نیایی دارند؛ چنان که در روایت صدوق آمده است که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: آنان مهدی‌اند، نه امام، و آنان قومی از شیعه‌اند که مردم را به ولایت و معرفت فضل ما دعوت می‌کنند (حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۴۰۲-۴۰۳).

در دو دعای نقل شده از امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام و توقیع صادر شده از ناحیه مقدسه برای ابوالحسن ضراب اصفهانی تصریح شده است که والیان و امامان، فرزندان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشند. بنابراین، مقصود از روایتی که وجود عقب (فرزند) برای امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را نفی کرده است؛



فرزندی است که از مقام امامت و عصمت مطلقه، مانند امامت و عصمت امامان دوازده‌گانه برخوردار باشد، نه مطلق فرزند. مؤید این مطلب روایتی است که شیخ طوسی از امام باقر ع آورده است: «زمین هرگز از عالمی از ما خالی نخواهد بود تا اگر مردم چیزی را بر دین افزودند، بگویند افزودند، و اگر کم کردند، بگویند از آن کاستند و خداوند آن عالم را از دنیا نخواهد برد، مگر آن که او فرزندش را که علمی همانند وی دارد ببیند (طوسی، ۱۴۲۹: ص ۱۴۹).

براین اساس، بر این که از مدلول ظاهری کلمه «من بعده» که گویای بُعد زمانی است، دست برداریم و آن را به بُعد رتبی تأویل کنیم؛ دلیلی وجود ندارد.

و) امامان معصوم ع پس از رجعت

وجه دیگری که در این زمینه بیان شده، این است که مقصود از امامان پس از حضرت مهدی ع که در روایات مزبور ذکر شده‌اند، همان امامان معصوم ع پس از رجعت آنان است. شیخ حرعاملی در این زمینه گفته است:

می‌توان آن‌ها را بر رجعت حمل کرد؛ زیرا روایات مربوط به رجعت ائمه ع از حد تواتر معنوی بسیار بیش‌تر است. بر این اساس، امامان پس از امام مهدی ع همان امامان پیش از او خواهند بود، و این مطلب با ادله امامت امامان دوازده‌گانه منافات ندارد؛ زیرا با رجعت آنان، بر تعدادشان افزوده نخواهد شد.

ایشان در ادامه به چند اشکال پاسخ داده است:

اشکال اول به این نکته مربوط است که در یکی از روایات مزبور، امامان پس از امام عصر ع دوازده نفر و در روایتی دیگر یازده نفر ذکر شده است. حل این اشکال چنین است که در روایات دوازده نفر، رجعت امام مهدی ع یا پیامبر اکرم ص نیز لحاظ شده است؛ ولی در روایات یازده نفر، بنا به حکمتی که ما نمی‌دانیم، لحاظ نشده است، و این شیوه سخن گفتن در محاوره‌های بشری بسیار است.

اشکال دوم این که در روایتی که از کتاب غیبت نقل شد، آمده است که حضرت مهدی ع هنگام وفات، زمام امت را به فرزندش می‌سپارد. علامه مجلسی در حل این اشکال گفته است: احتمال دارد که لفظ «اییه» (پدرش) به لفظ «ابنه» (پسرش) تصحیف شده باشد؛ زیرا در روایات رجعت آمده است که امام حسین ع هنگام وفات حضرت مهدی ع رجعت کرده و او را

غسل خواهد داد و این که او دارای سه نام، یعنی عبدالله، احمد و مهدی است نیز اشکالی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا محتمل است امام حسین علیه السلام نام‌ها و لقب‌های متعددی داشته که برخی از آن‌ها ظاهر شده و برخی ظاهر نشده است و گذاشتن نام‌های مختلف در آن زمان برای آن حضرت به خاطر حکمت‌هایی، محتمل است.

اشکال سوم این که در دو روایت تصریح شده است که امامان پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از نسل امام حسین علیه السلام می‌باشند. در پاسخ این اشکال نیز علامه مجلسی گفته است: بعید نیست که عبارتی مانند «اکثرهم من ولد الحسین علیه السلام» در تقدیر باشد؛ زیرا معمول و مرسوم است که متکلم در مواردی که مطلب روشن باشد، یا قصد اجمال داشته باشد، سخن خویش را بر اکثر و اغلب، استوار می‌سازد. گواه این مطلب آن است که در برخی از روایات مربوط به امامان دوازده‌گانه آمده است؛ آنان از فرزندان علی و فاطمه علیهما السلام می‌باشند^۱ که این روایات را باید بر اکثر و اغلب حمل کرد؛ زیرا شامل امیرالمؤمنین علیه السلام نیست.

اشکال چهارم به دو عبارت «و صل علی ولیک و ولایة أمرک و الائمة من ولده» و «صل علی ولایة عهده و الائمة من بعده» در دو دعای مصباح‌المتجهجد مربوط است، که ظاهرش این است که به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف باز می‌گردند؛ یعنی امامان پس از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف که فرزندان او می‌باشند. علامه مجلسی در پاسخ این اشکال گفته است: محتمل است، ضمیر در «الائمة من ولده» و «الائمة من بعده» به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا امام حسین علیه السلام بازگردد، چنان که دعای دوم را می‌توان بر رجعت حمل کرد؛ یعنی امامان پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف همان امامان قبل از آن حضرت می‌باشند که رجعت کرده‌اند؛ ولی این وجه در دعای اول، صحیح نیست؛ زیرا با کلمه «من ولده» سازگاری ندارد (حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۴۰۳-۴۰۴).

ولی مدلول روشن عبارت «من ولده» در روایت اول این است که ضمیر به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف باز می‌گردد و احتمال ارجاع آن به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یا امام حسین علیه السلام بعید است و قرینه‌ای نیز بر آن وجود ندارد.

۱. در روایات، دوازده امام به عنوان فرزندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم معرفی شده‌اند (رک: کلینی، ۱۳۸۸: ج ۱، ص ۴۴۸).

ز) والیان و نایبان ائمه علیهم السلام پس از رجعت

دیدگاه دیگری که در این باره مطرح شده، این است که مقصود از مهدیان یا والیان یا امامانی از نسل امام حسین علیه السلام و فرزندان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف که در روایات، زیارات و ادعیه از آنان سخن به میان آمده؛ مبنی بر این که پس از ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در جایگاه امامت و رهبری جامعه بشری و اداره حکومت جهانی عدل مهدوی، ایفای نقش می‌کنند؛ والیان و نایبان امامان معصوم علیهم السلام در دوران رجعت می‌باشند. این، دومین وجهی است که علامه مجلسی در این خصوص بیان کرده و گفته است: «این مهدی‌ها، اوصیای قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشند که در زمان امامان دیگر که رجعت کرده‌اند تا این که زمان [و زمین] از حجت خداوند خالی نباشد؛ به هدایت خلق اهتمام می‌ورزند؛ هرچند اوصیای پیامبران و امامان نیز حجت‌های الهی‌اند» (مجلسی، ۱۳۹۰: ج ۵۳، ص ۱۴۹).

به نظر می‌رسد، مقصود ایشان از عبارت اخیر، آن است که حجت بودن اوصیای امامان، در طول حجت بودن و در زمان امامت آنان است، نه حجت مستقل، یعنی ایشان از پاسخ اول خود عدول نکرده و نخواسته است بیان کند که بدون وجود امام معصوم نیز وصی امام، حجت الهی بر بشر است؛ زیرا این مطلب با ادله عقلی و نقلی بر ضرورت وجود حجت معصوم در میان بشر منافات دارد؛ چنان‌که با روایات گویای استمرار حجیت و امامت اهل بیت علیهم السلام تا قیامت سازگاری ندارد.

در نتیجه، این وجه، مناسب‌ترین وجهی است که در این زمینه بیان شده است و بر دو مطلب مبتنی است: یکی این که امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم السلام همان حجت‌های الهی هستند که هیچ‌گاه زمین از یکی از آنان خالی نخواهد بود، و امامت آنان تا قیامت استمرار دارد، و دیگر این که آنان به دنیا باز خواهند گشت و پس از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امامت و رهبری جامعه بشری و حکومت جهانی عدل مهدوی و علوی را برعهده خواهند داشت.

۴. امامت اصالی و نیایی

با دیدگاه برگزیده، به هر دو دسته روایات (روایات استمرار امامت امامان دوازده‌گانه اهل بیت و روایات مهدی‌های دوازده‌گانه از نسل امام حسین علیه السلام و امامان از فرزندان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف عمل شده است؛ بدین صورت که امامت امامان معصوم علیهم السلام، «اصالی»، و امامت مهدی‌ها و فرزندان



امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف «نیایی» خواهد بود. روایت کمال الدین از امام صادق علیه السلام در پاسخ ابوحمزه که گفت از پدرتان شنیدم که پس از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دوازده مهدی خواهد بود؛ و امام فرمود: امام باقر علیه السلام فرموده است؛ دوازده مهدی و نفرموده دوازده امام؛ آنان قومی از شیعیان هستند که مردم را به ولایت ما دعوت می‌کنند؛ می‌تواند شاهد جمع مزبور باشد؛ یعنی مقصود از نفی امامت مهدی‌ها، امامت اصالی است. در نتیجه مقصود از کاربرد لفظ «ائمه» در دو دعای مصباح، امامت نیایی خواهد بود.

تنها روایتی که توجیه آن مشکل است، روایت وصیت است؛ زیرا در آن آمده است که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام وفات، امر امامت را به نخستین مهدی، از مهدی‌های دوازده‌گانه که فرزند اوست، می‌سپارد: «فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الي ابنه اول المهديين». در مورد امامان دوازده‌گانه همین تعبیر به کار رفته است؛ چنان که درباره امام حسن عسکری علیه السلام آمده است: «فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الي ابنه محمد المستحفظ من آل محمد صلوات الله وسلامه عليه». قرینه سیاق گویای آن است که مقصود امامت اصالی است، نه نیایی.

ولی می‌توان گفت قرینه سیاق آن گاه معتبر است که دلیل قاطع بر خلاف آن وجود نداشته باشد. دلیل قاطع برخلاف آن، روایات متعدد و معتبری است که امامت اصالی را مخصوص امامان دوازده‌گانه اهل بیت عصمت و طهارت می‌داند. علاوه بر این، در برخی روایات آمده است که در زمان وفات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، امام حسین علیه السلام رجعت می‌کند و حضور می‌یابد و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف «خاتم» (مهر ویژه امامت) را به او می‌سپارد (حرعاملی، ۱۳۸۶: ص ۳۶۷) و لذا با وجود این دلایل معارض، سیاق حجیت ندارد و امامت در آن به امامت نیابتی تأویل می‌شود. اگر این توجیه پذیرفته نشود، جز اعراض از آن راهی وجود نخواهد داشت؛ به ویژه آن که سند روایت نیز به دلیل علی بن سنان موصلی (خوبی، ۱۴۱۳: ج ۱۳، ص ۴۹)، ضعیف است.

نقد یک ادعا

احمد بصری، ادعا کرده است که رجعت با وفات آخرین مهدی از مهدی‌های دوازده‌گانه که فرزندان مهدی موعود و اوصیای او می‌باشند؛ واقع خواهد شد و مقصود از مهدی که رجعت امام



حسین عَلَيْهِ السَّلَام در زمان او واقع می‌شود، همو است^۱. بنابراین، رجعت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام با اعتقاد به امامت و وصایت مهدی‌های دوازده‌گانه منافات ندارد.

از مطالب پیشین، نادرستی این ادعا روشن است؛ زیرا اولاً، امامت مهدی‌های دوازده‌گانه نیابی است، نه اصالی؛ چرا که بر اساس روایات متعدد و معتبر، امامان دوازده‌گانه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام حجت‌های معصوم خداوند تا قیامت می‌باشند و هیچ‌گاه زمین از یکی از آنان خالی نخواهد بود؛ ثانیاً، رجعت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام، چنان که در روایات بیان شده است؛ در زمان حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام واقع خواهد شد و اوست که بدن امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را غسل داده و بر او نماز می‌خواند و او را به خاک می‌سپارد.^۲

اما این که در برخی روایات آمده است که امامی که امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در زمان او رجعت می‌کند، دارای فرزند نیست؛ مقصود؛ چنان که قبلاً بیان شد، این است که او فرزندی ندارد که دارای مقام امامت باشد و این خود دلیل روشنی بر امام اصلی نبودن مهدیان دوازده‌گانه از فرزندان امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام می‌باشد. آنان از امامت نیابی از سوی امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام در عصر رجعت برخوردارند؛ چنان که در برخی روایات تصریح شده است که آنان از مقام امامت برخوردار نیستند، بلکه دعوت کنندگان مردم به ولایت و حقانیت امامان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام می‌باشند.^۳



۱. «عالم الرجعة يبدأ مع نهاية ملك المهدي الثاني عشر وهو القائم الذي يخرج عليه الحسين» (بصری، ۱۴۳۱: ج ۲، ص ۲۹۳).

۲. روایات مربوط به دو مطلب یاد شده، قبلاً بازگوشد.

۳. «لكنهم قوم من شيعتنا يدعون الناس الى مولاتنا ومعرفة حقنا» (صدوق ۱۴۱۶: ج ۲، ص ۳۵۸).

نتیجه‌گیری

حکومت جهانی مهدوی که توسط حضرت ولی عصر تشکیل می‌شود، پس از آن حضرت به امامت و رهبری دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام در عصر رجعت ادامه خواهد داشت. عصر رجعت با درگذشت امام زمان آغاز خواهد شد. در این دوران، دیگر امامان معصوم علیهم‌السلام رجعت خواهند داشت و عهده‌دار امامت جوامع و حکومت جهانی مهدی خواهند بود؛ زیرا تا وقتی که زندگی دنیوی و نظام تکلیف برقرار است، هیچ گاه زمین از وجود یکی از امامان دوازده‌گانه اهل بیت علیهم‌السلام که جانشینان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشند؛ خالی نخواهد بود. بنابراین، مقصود از امامت و رهبری فرزندان امام عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پس از آن حضرت که در برخی روایات (بر فرض صحت آنها) بیان شده است؛ امامت نیایی از سوی امامان معصوم علیهم‌السلام است و دیدگاه احمد بصری و هواداران او که آنان را رهبران اصلی پنداشته و زمامداری آنان را در عصر رجعت، پس از امام معصوم انگاشته‌اند؛ بی پایه است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق). *کامل الزیارات*، محقق: عبدالحسین امینی، نجف، نشرالمرتضویه.
۲. بصری، احمد اسماعیل (۱۴۳۱ق). *الجواب المنیر عبر الاثیر*، نجف، انصارالامام المهدی.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶). *الایقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة*، قم، دلیل ما.
۴. حلّی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). *مختصر بصائر الدرجات*، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۵. خزاز قمی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق). *کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر*، محقق: سید عبد اللطیف حسین، قم، انتشارات بیدار.
۶. خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق). *معجم رجال الحدیث*، قم، مرکز نشر الثقافة الاسلامیة.
۷. سید مرتضی، علی بن الحسین (بی تا). *رسائل الشریف المرتضی*، محقق: سید احمد حسینی، بیروت، مؤسسة النور للمطبوعات.
۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۸ق). *منتخب الأثر فی الامام الثانی عشر*، قم، مكتبة آية الله الصافي.
۹. صدر، سید محمد (بی تا). *موسوعة الامام المهدی*، قم، مؤسسة دارالمجتبی علیه السلام.
۱۰. صدوق، محمد بن علی (بی تا). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، مصحح: سید مهدی حسینی لاجوردی، تهران، انتشارات جهان.
۱۱. _____ (۱۴۱۶ق). *کمال الدین وتمام النعمة*، قم، مؤسسة نشر اسلامي.
۱۲. _____ (۱۳۷۹ق). *معانی الأخبار*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسة النشر الاسلامی.
۱۳. _____ (۱۳۹۰ق). *من لایحضره الفقیه*، محقق: سید حسن موسوی خراسان، تهران، دار الكتب الاسلامیة.
۱۴. طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق). *الاحتجاج*، مشهد، نشر المرتضی.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۷ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی*، قم، مؤسسة آل البيت علیهم السلام.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق). *تهذیب الاحکام*، محقق: علی اکبر غفاری، تهران، مكتبة الصدوق.
۱۷. _____ (۱۴۲۹ق). *كتاب الغيبة*، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران، دار الكتب الاسلامیة.
۱۸. _____ (بی تا). *مصباح المتجهد*، قم، نشر اسماعیل الانصاری.

١٩. ققى، على بن ابراهيم (١٤٢٨ق). *تفسير الققى*، بيروت، مؤسسة الاعلمى للمطبوعات.
٢٥. كلينى، محمد بن يعقوب (١٣٨٨ق). *اصول كافي*، تهران، المكتبة الاسلامية.
٢١. مجلسى، محمدباقر (١٣٩٥ق). *بحار الانوار*، تهران، المكتبة الاسلامية.
٢٢. مفيد، محمد بن نعمان (١٤١٣ق). *الارشاد*، قم، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد.
٢٣. _____ (١٤١٣ق). *المسائل الجارودية* (ضمن مجلد السابع من مصنفات شيخ مفيد)، قم، المؤتمر العالمى لألفية الشيخ المفيد.
٢٤. نباطى بياضى، على بن يونس (١٣٨٤ق). *صراط مستقيم الى مستحقى التقديم*، محقق: محمدباقر بهبودى، بى جا، المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
٢٥. نعمانى، محمد بن ابراهيم (بى تا). *كتاب الغيبة*، محقق: على اكبر غفارى، تهران، مكتبة صدوق.